

نقش زبان فارسی در روابط ترکیه و ایران و آینده زبان و

ادب فارسی در ترکیه

دکتر دریا ارس *

درآمد

زبان وسیله تفهیم و تفاهم بین افراد و در عین حال در روابط علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی میان کشورها و ملت‌های مختلف، ایفاگر نقش اساسی است. در همین راستا رابطه محکم و دیرینه زبان فارسی و زبان ترکی، در طول تاریخ نقش تعیین کننده‌ای در روابط ایران و ترکیه داشته است. ایران و ترکیه، ایرانیان و ترکان، زبان فارسی و زبان ترکی مثل رشته‌هایی است که جبر تاریخ و موقعیت جغرافیایی، آنها را به طور ناگسستنی و قطع نشدنی به هم پیوند زده است.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آنکارا در ترکیه

یکی از مهم‌ترین مشترکات بین ترکان و ایرانیان، مبادله واژه و تأثیر متقابل دو زبان فارسی و ترکی است. ترکان و ایرانیان واژه‌های زیادی از یکدیگر گرفته و در زبان خود استفاده کرده‌اند. با این وصف می‌توان گفت که زبان فارسی همراه با زبان عربی، در رأس یکی از آن زبان‌هایی قرار می‌گیرد که زبان ترکی از آنها تأثیر قابل‌اعتنایی پذیرفته است. برای مثال ترکان به خاطر آنکه با دین اسلام از طریق ایرانیان آشنا شده‌اند، اولین اصطلاحات دینی را (مانند نماز و آبدست و روزه که امروزه «اوروچ» تلفظ می‌شود) از ایرانیان اخذ کرده‌اند. در مجموع تاریخ زبان فارسی در ترکیه را می‌توان در دو بخش جداگانه بحث و بررسی کرد: دوره قبل از جمهوری و دوره بعد از جمهوری.

از آنجا که وضعیت زبان و ادب فارسی در دوره سلجوقی و عثمانی کمابیش بر همگان معلوم است، بنابراین در این مختصر به مسائل جزئی تاریخی وارد نمی‌شوم و کلیات را مطرح می‌کنم.



وضعیت کلی زبان فارسی در دوره قبل از جمهوری در ترکیه

در دوره‌های سلجوقی و عثمانی، فرهنگ، زبان و ادبیات ایران تأثیر بسزایی بر فرهنگ، زبان و ادب ترکی گذاشته است که علی‌رغم تمام دگرگونی‌هایی که از دوره‌های تنظیمات و مشروطیت به بعد، در زبان و ادب و فرهنگ و دستگاه آموزشی ترک انجام شده، آثار آن با وجود کم‌رنگ و بی‌رونق شدن، کمابیش باقی مانده است. در این مختصر به چند نکته کلی درباره علل اصلی توجه و علاقه ترکان به زبان فارسی و نتایج این توجه اشاره می‌کنیم.

اولین و مهم‌ترین علت توجه ترکان به زبان فارسی شاید این بود که آنها هنگام کوچ‌های دسته‌جمعی و بزرگ از خاک آسیای میانه به سوی آناتولی، همیشه با ایرانیان روبرو شده و سالیان دراز کنار آنها زندگی کرده بودند. این امر باعث ورود کلمات و اصطلاحات زیادی از زبان فارسی به زبان ترکی شد. دوم اینکه ترکان از طریق ایرانیان با عقاید دین اسلام آشنا شده و تعداد زیادی از مفاهیم و اصطلاحات دینی را از آنها آموخته

بودند. بدین ترتیب زندگی مشترک دوشادوش ایرانیان راه را برای تأثیر گذاری زبان فارسی بر زبان ترکی به سرعت هموار کرد و کلمات فارسی همراه با سیل کلمات عربی در متن زبان ترکی جای خود را باز کرد. وقتی ترکان در آسیای صغیر کاملاً مستقر شدند و استانبول را در سال ۱۴۵۳ گشودند، زبان فارسی به همراه زبان عربی و ترکی از زبان‌های متداول امپراتوری عثمانی گشت و تعداد زیادی از ادیبان و شاعران ایرانی به دربار عثمانی راه یافتند.

همزمان با روند پیدایی و رشد زبان و ادب ترک، آموزش زبان فارسی هم به عنوان واحدهای درسی، وارد مدرسه‌های آن زمان شد. آثار ادیبانی چون عطار، مولانا، سعدی، حافظ، جامی و غیره جزوی از فرهنگ و ادب ترکی شد و مورد استقبال و توجه و قبول قرار گرفت و دانشمندان بسیاری بر این متون ادبی شروح و حواشی و تعلیقات نوشتند. ظاهراً علت اصلی این پذیرش صمیمانه این بود که نیاکان ما بدون هیچ شایبه‌ای بزرگان ادب فارسی را در دایره بزرگ فرهنگ اسلامی خود و جزوی از خود می‌دانستند. آثار بزرگان ادب فارسی چون مثنوی مولوی، گلستان سعدی، دیوان حافظ، پندنامه عطار و... قبل از اینکه مربوط به یک زبان خارجی باشد، به عنوان آثار مشترک اسلامی در مدارس عثمانی تدریس می‌شد. بدین وجه سال‌های طولانی زبان‌های عربی و فارسی پا به پای زبان ترکی، در حوزه‌های علمی و فرهنگی سرزمین‌های بس وسیع امپراتوری عثمانی، گسترش عظیمی پیدا کرد و مورد توجه قرار گرفت.

بی‌شک در پرتو این برخورد و بینش بود که ترکان در دوره‌ای از تاریخ خود، نه تنها از کلمات عربی و فارسی استفاده کردند، بلکه مستقیماً از این دو زبان بهره لازم را برده و آثار قابل اعتنایی به این دو زبان از خود بر جای گذاشتند. با اینکه زبان ترکی به نحوی تحت تأثیر عربی و فارسی قرار گرفته است، نباید از این نکته غفلت کرد که خصوصاً حمایت ترکان عثمانی از زبان فارسی باعث شده است که در طول تاریخ، زبان و ادب فارسی به واسطه علما و فضلاء امپراتوری عثمانی، تا دل کشورهای اروپا گسترش پیدا کند و قلمرو نفوذ خود را وسعت بخشد.

در این میان شاعران و نویسندگان عثمانی، حتی عده‌ای از فرمانروایان عثمانی، با استفاده از مصالح زبان عربی و فارسی، بناهای بس عظیمی ساختند و آثار زیادی (اعم از منظوم و مثنوی) از خود بر جای گذاشتند. یاد آوری این نکته هم ضروری می‌نماید که اگرچه شاعران ترک از مضامین و ترکیبات شعر کلاسیک فارسی استفاده کردند، درونمایه‌های این دو ادبیات، با وجود شباهت ظاهری متمایز از هم است و هریک قیمت و ارزش منحصر به فرد خود را دارد. این بدان معنی است که هرچند مصالح ساختمانی شعر کلاسیک دیوانی ترک، اغلب از عناصر ایرانی گرفته شده، طرز معماری ساختمان آن، خاص ادب ترک است.

با ورود جریان‌های ادبی و سیاسی سرزمین غرب به قلمرو عثمانی از قرن هجدهم به بعد و در نتیجه دایرشدن نهادهای تعلیم و تربیتی به روش‌های جدید، زبان‌های فارسی و عربی اندک اندک رونق و اعتبار گذشته خود را از دست دادند و جای خود را به زبان‌های فرانسوی و آلمانی واگذار کردند. هر چند زبان فارسی به عنوان یک زبان خارجی در مدارس عثمانی تدریس می‌شد، ادبیات ترک به مرور از مضامین مشترک دور می‌گشت و به ادب غرب می‌گروید. از قرن نوزدهم به بعد، گروهی از ادیبان و زبان‌شناسان برای تصفیه کلمات عربی و فارسی از ترکی، حرکت جدیدی را آغاز کردند. آنها معتقد بودند که باید زبان ترکی را از تأثیر بیشتر عربی و فارسی نجات داد. بدین‌گونه این حرکت جدید، نقطه عطفی در سیر بعدی زبان ترکی بود و راه را برای پاکسازی کلمات عربی و فارسی، به ویژه در دوره جمهوری هموار کرد.

وضع زبان و ادب فارسی بعد از دوره جمهوری

با تأسیس جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳م، در ساخت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیربنایی کشور دگرگونی‌هایی عظیم و انقلابی صورت گرفت. یکی از این تحولات بزرگ و انقلابی، تلاش برای ساده و سره کردن زبان ترکی بود.

آتاترک، بانی بزرگ جمهوری ترکیه، معتقد بود که ترک‌ها فقط با تدریس علوم دینی و عربی و فارسی نمی‌توانند در میان ملل پیشرفته جایگاهی کسب کنند. از این رو وی می‌خواست زبان ترکی را از تأثیر بیش از حد معمول و معقول زبان‌های خارجی، به خصوص عربی و فارسی رها کند؛ چون زبانی که در زمان عثمانیان به طور مخلوطی ناهماهنگ از سه زبان ترکی، عربی و فارسی به نام ترکی عثمانی به وجود آمده بود، میدان را برای گسترش و تحول و پیشرفت زبان ترکی کاملاً تنگ کرده بود، به حدی که فهم آن نه تنها برای مردم عادی، بلکه برای روشنفکران و محصلان هم مشکل شده بود. آنها مجبور بودند دستور سه زبان متفاوت از هم را یاد بگیرند و این کار چندان آسانی نبود.

آتاترک گذشته از فراهم آوردن زمینه بسیار مناسب برای گسترش زبان ترکی، حروف لاتین را نیز جایگزین الفبای عربی کرد. با این که در ترکیه و دیگر نقاط جهان اسلام عده‌ای با این فکر او مخالفت کردند، وی از این اقدام منصرف نشد و در سال ۱۹۲۸م. در مدت کوتاهی به تغییر الفبا توفیق یافت. پس از آن برای مدت کوتاهی زبان‌های عربی و فارسی از میان درس‌های مدرسه حذف شد، ولی بلافاصله بعد از دهه ۳۰ میلادی، در دانشگاه‌های نوپای ترکیه، در کنار زبان‌های مختلف جهان (مانند: چینی، هندی، اردو و زبان‌های اروپایی) کرسی‌هایی برای آموزش زبان‌های عربی و فارسی احداث شد. از آن زمان به بعد، این زبان‌ها تنها در سطح دانشگاهی تدریس می‌شوند.

امروزه در چهار دانشگاه استانبول، آنکارا، ارزروم و قونیه کرسی‌های زبان و ادب فارسی در سطوح لیسانس، فوق لیسانس و دکترا مشغول آموزش زبان و ادبیات فارسی است. گذشته از آن، زبان فارسی در کرسی‌هایی مانند زبان و ادب ترک، تاریخ، فلسفه و در دانشکده‌های الهیات به عنوان یک درس اختیاری تدریس می‌شود. تاکنون هزاران دانشجو از این کرسی‌ها فارغ‌التحصیل شده‌اند و بسیاری از آنها به نحوی با زبان و فرهنگ ایران سروکار دارند.

بر همگان روشن است که مطالعات ایران‌شناسی در ترکیه، به‌ویژه پس از تأسیس دانشگاه‌های جدید و بزرگ، بیش از پیش سرعت گرفته و در طول ۸۰ سال، در دوره

جمهوری با انتشار آثار زیادی در زمینه‌های گوناگونی مانند: زبان، ادب، تاریخ، جغرافیا، عرفان و تصوف، سیاست، علوم دینی و علوم اجتماعی رشد خود را به اثبات رسانده است. کارهای اساتیدی چون: معلم رفعت، محمد فؤاد کوپرولو، احمد آتش، شمس‌الدین گون آلتای، عدنان صادق ارزی، عثمان توران، علی نهاد تارلان، ابراهیم قفس اوغلی، فریدون نافذ اوزلوق، آگاه سری لوند، تحسین یازیجی، عبدالباقی گولپینارلی، نوری کنج عثمان، نجاتی لغال، فاروق سومر، اسماعیل حقی، اوزون چارشیلی، حکمت ایل آیدین، آیدین صایلی، ملیحه آنبارجی اوغلی و دیگران که بزرگان و پیشروان مطالعات ایران‌شناسی در ترکیه هستند، همیشه برای ما باعث افتخار است. سعیشان مشکور باد.

در این فرصت می‌خواهم نکته مهمی را یادآور شوم و آن این که گه‌گاه به گوش می‌رسد که وضع زبان فارسی و پژوهش‌های ایران‌شناسی در ترکیه از رونق افتاده و به اصطلاح این کشور با فقدان اساتید پژوهشگر مواجه شده است. باید عرض کنم که این دید، دید درست و قابل قبولی نیست. اول اینکه تحقیقات ایران‌شناسی از آغاز گشایش کرسی‌های زبان و ادب فارسی در دانشگاه‌های مختلف ترکیه، به رغم همه کاستی‌ها و مشکلات، به سرعت ادامه دارد. دوم اینکه ایران‌شناسان نسل جدید با امکانات اندک و ناچیزی که در اختیار آنهاست، با تمام قدرت تلاش می‌کنند در زمینه‌های مختلف ایران‌شناسی که اساتید بزرگوار گذشته شاید بنا به اقتضای زمان خودشان توجه زیادی به آنها نشان نداده‌اند، پژوهش کنند و زبان و ادب و فرهنگ ایران و ایرانی را به مردم خود بشناسانند و انصافاً کارهای بسیار خوبی هم تاکنون از خود بر جای گذاشته‌اند.

نکته دیگر اینکه کار آموزش زبان فارسی در کرسی‌های زبان و ادب فارسی، نسبت به بیست - سی سال گذشته که بیشتر با تکیه به متون کلاسیک فارسی و با روش‌های نسبتاً قدیمی صورت می‌گرفت، امروزه با استفاده از روش‌های سمعی و بصری جدید آموزشی انجام می‌شود. برای مثال تدریس درس‌هایی مانند: مرجع‌شناسی، انواع ادبی، اطلاعات ادبی، جریان‌های ادبی، صناعات ادبی، نقد ادبی، زبان گفتاری، زبان مطبوعاتی، عروض، ادبیات معاصر (نظم و نثر) و تاریخ ادبیات ایران در دوره‌های قبل و بعد از اسلام

همراه با دستور زبان فارسی، برنامه‌های درسی امروز را در مقایسه با برنامه‌های دوران گذشته محکم‌تر و کامل‌تر می‌کند.

گذشته از موارد مذکور، می‌توان به فعالیت‌های ترجمه آثار کلاسیک و معاصر فارسی در ترکیه اشاره کرد؛ باز هم بر خلاف آنچه در ایران تصور می‌شود، کار ترجمه آثار فارسی به ترکی همچنان به سرعت ادامه دارد و کتب ترجمه شده خوشبختانه خوانندگان، طالبان و مشتاقان زیادی در میان طبقات مختلف مردم، به خصوص روشنفکران دارد. برای مثال آثاری چون گلستان و بوستان سعدی، تذکره الاولیای عطار یا مثنوی معنوی مولوی از آغاز دوره جمهوری به این طرف بارها ترجمه شده‌اند. از طرفی، تعداد کتب ترجمه شده در هشتاد سال اخیر در ترکیه، از فارسی به ترکی (اعم از آثار اسلامی، عرفانی، ادبی، تعلیمی یا سیاسی) از نظر کیفیت و کمیت واقعاً چشمگیر است. گذشته از این، در این اواخر ناشران مشهور و معتبر ترکیه ترجمه آثار گوناگون شاعران و نویسندگان و اندیشمندان ایرانی را به چاپ رسانده‌اند که متأسفانه در نقطه مقابل این فعالیت‌های ادبی و فرهنگی و به خصوص ترجمه آثار فارسی به ترکی، تعداد آثار منتشر شده مربوط به ترکیه و فرهنگ و ادب ترک در ایران بسیار ناچیز است.

در پایان می‌توان گفت که با هر چه بهتر و بیشتر شدن روابط دو کشور در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و همسایگی و با شناخت سالم و صحیح دو جامعه نسبت به همدیگر، آینده زبان فارسی در ترکیه روشن‌تر و بهتر از گذشته خواهد گشت.



شروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی